

## دایره بسته تکرار

سینا فتوت

روزنامه‌نگار

برای دهه‌هاست که فوتبال پایه ما ناکام است. چه در مسابقات قاره‌ای و چه در مسابقات جهانی. فرقی نمی‌کند برای صعود به جام جهانی بکنگیم یا برای قهرمانی در آسیا یا برای تلیق هر دو موردش! مهم نیست. اگر شانس یار ما نباشد حتی به نیمه نهایی آسیا هم نمی‌رسیم. اگر کمی خوش شانس باشیم در گروهی جام جهانی حذف می‌شویم. در نهایت فوتبال پایه ما چیزی از مسابقات بین‌الملل دشت نمی‌کند. دلیل؟

ساختار فوتبال پایه ما افتضاح است. بحثی نداریم. اما فاجعه‌بارتر از آن، نگرش غلطی است که داریم و درستش نمی‌کنیم. علاوه بر اینکه مسابقات کشوری را جدی نمی‌گیریم، در کنارش، تلاشی هم برای الگوبرداری از جایی یا اصلاح وضع موجود انجام نمی‌دهیم.

نتیجه اینکه به صورت سنتی همیشه می‌بازیم و می‌بازیم و می‌بازیم و مربی برکنار می‌کنیم و غر می‌زنیم و قسم می‌خوریم که دفعه بعد بهتر عمل کنیم و انتخاب‌ها همیشه بدتر و بدتر می‌شوند. این وسط، هیچ وقت انسجام نداشته‌ایم. نشده کاری را درست انجام بدهیم و رویش پافشاری کنیم. ضعیف‌ترین آدم‌ها را در بدترین پست‌ها گذاشته‌ایم و نتیجه خوبی هم نگرفته‌ایم و باز همین فرمول را تکرار کرده‌ایم.

برای فوتبال پایه مسابقات خوب می‌خواهیم. مسابقاتی که داخلش خبری از تیم‌های پولی نباشد که در هر بازی با شرط‌بندی رکورد گل‌های خورده شده را بشکنند تا امتیاز بفروشند! نظارتی روی کار آنها می‌خواهیم و مهم‌تر اینکه باید لیگ کشوری را جدی بگیریم. لیگ کشوری پایه مدت‌هاست از اعتبار خارج است. فکری به حال بازیکنان، آتش همین است و کاسه همین!

# جرقه‌ای که این بار خاموش شد!

حامد چیرودی

روزنامه‌نگار

بباید فرض کنیم که تیم ملی جوانان، عراق را برده و به جام جهانی صعود کرده است. اصلاً بیا باید تصور کنیم که شاگردان صمد مرفاوی در جام جهانی هم بازی کرده‌اند. فکر می‌کنید این اتفاق بجز یک موفقیت گذرا چه حاصلی داشته است؟ واقعیت این است که فوتبال ایران سال‌های سال است که در بخش‌های مختلف، خصوصاً رده سنی پایه بدون برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری پیش رفته و اگر در بخشی هم به پیروزی رسیده، یک جرقه بوده که برخی آن را آتشفشان تلقی کرده‌اند. تنها اتفاقی که با این بردهای زودگذر و صعودها رخ داده این بوده که فدراسیون فوتبال آن موفقیت را به نام خود کرده و نام فدراسیون «پنج ستاره» را به پیشوند خود اضافه کرده است. در حالی که اگر موفقیتی هم به دست آمده، حاصل دسترنج باشگاه‌ها و مربیان استعدادیاب و بازیکن‌سازی بوده است که با کمترین امکانات به صورت شبانه‌روزی به پرورش فوتبال‌بست‌های جوان می‌پردازند تا به ستاره‌هایی نوظهور تبدیل شوند، نه فدراسیونی که یک اردوی تدارکاتی قبل از جام ملت‌ها را با

هزار خواهش و التماس برای یک تیم پایه‌ای فراهم می‌کند. در این شرایط، اگر نگاهی واقع‌گرایانه به فوتبال ایران داشته باشیم، می‌بینیم که این حذف شدن‌ها اتفاق عجیبی نیست و اگر بردی هم روی یک کار تیمی تمرین شده و تاکتیک به دست نیامده و بیشتر روی تکنیک فردی آن بازیکن به دست آمده است. البته هستند مربیانی که روی تاکتیک تیم خود کار می‌کنند ولی این موضوع یک پروسه زمانبر است که با دو سه اردوی کوتاه‌مدت به نتیجه نمی‌رسد. واقعیت همان جمله جنجالی اسکوپچ است که گفته بود: «چیزی که فوتبال‌بست‌های ایرانی فاقدش هستند، توانایی تاکتیکی است. بازیکنان ایران هنوز در توانایی تاکتیکی آنقدرها خوب نیستند ولی در بلندمدت می‌توان آن را آموخت.» جمله‌ای که مهدی طارمی آن را برناتفت و برای مدتی از تیم ملی خط خورد! رسیدن به موفقیت در رده پایه حاصل یک کار گلخانه‌ای است. روشی که مرفاوی در دوران حضورش در رده‌های پایه‌ای استقلال و پرورش دادن بازیکنانی مانند آندو تیموریان، امیرحسین صادقی و وحید طالب‌لو بوده است نه یک پروسه زودگذر و بدون برنامه که باعث شده تیم امید ایران حدود نیم قرن در حسرت حضور در المپیک بماند!

## مشت نمونه خروار

ایمان گودرزی

خبرنگار

خبر تکراری، تیم فوتبال ایران در رده‌های پایه در فلان تورنمنت ناکام ماند و از رسیدن به جام جهانی یا المپیک بازماند، فوتبالی‌ها دیگر از شنیدن این خبر سر شده‌اند. در جدیدترین ناکامی صمد مرفاوی و شاگردانش موفق شدند پس از ۴ بازی و باخت مقابل عراق در مرحله یک‌چهارم، از رقابت‌های جام ملت‌های آسیا کنار بروند و بدون کسب سهمیه جام جهانی به خانه برگردند. چیز جدیدی نبود، ما همیشه به جدی گرفته نشدن تیم‌های پایه و ناکامی آنها عادت داریم، فقط بلدییم بنشینیم و بعد از حذف شدن‌هایی که اکثراً حق‌مان است حسرت بخوریم و بگوییم آخ، چه نسلی بود، حیف که در جام جهانی یا المپیک حضور نداشت و گر نه قهرمان می‌شدیم، اما این داستان زاویه دیگری نیز دارد، اینکه سرمربی چطور نتوانست این استعدادها را به نتیجه برساند هم همیشه جای سؤال است. از همان بازی با استرالیا خیلی زود مشخص شد که یک جای کار این تیم می‌لنگد، منصفانه بگوییم این تیم هیچ ترسی برای رقبا ایجاد نمی‌کرد و برد و پیروزی را نباید روی خوب بودن کلی تیم گذاشت. در بازی با عراق موقعیت خطرناک چندانی نداشتیم و مثل اینکه از خدای بازیکنان بود بازی به پناستی بکشد اما خبر نداشتند برای رسیدن به پناستی هم شما باید ۱۲۰ دقیقه لااقل درست دفاع کنی نه اینکه مهاجم حریف خیلی شیک همه را جا بگذارد و توپ را وارد دروازه کند. طبق رسوم هر دوره ما باید با جمله «ان‌شاءالله در رقابت‌های بعدی موفق می‌شویم»، به استقبال ناکامی‌های بعدی برویم و ببینیم دفعه بعد کدام سرمربی که هیچ چیز نمی‌تواند به فوتبال پایه‌ها اضافه کند روی نیمکت ما خواهد نشست. فقط امیدواریم که ناکامی با سرمربی داخلی برای تیم‌های ملی فقط در قسمت پایه‌ها بماند و ویروستش به رده‌های بالاتر سرایت نکرده باشد!



## جوانان، ناکام مثل بزرگسالان

سمیرا شیرمردی

روزنامه‌نگار

تیم فوتبال جوانان ایران باز هم در جام ملت‌های زیر ۲۰ سال آسیا ناکام ماند. آنها در مرحله گروهی خیلی خوب کار کردند و حریفان را یکی پس از دیگری کنار می‌زدند. تیم صمد مرفاوی وقتی به عنوان تیم اول گروه صعود کرد خیلی‌ها امیدوار شدند که آنها این بار می‌توانند طلسم را بشکنند و راهی فینال شوند تا قهرمانی را به دست بیاورند. بازیکنان هم روحیه بالایی داشتند و سرشار از انگیزه و امید بودند اما این بار هم عراق، ناکامی تیم ایران را رقم زد. تیم‌های ایرانی سال‌هاست که مقابل عراق نمی‌توانند نتیجه بگیرند. حتی تیم فوتبال بزرگسالان ایران هم یکی، دو دوره قبل در جام ملت‌های آسیا مقابل عراق حذف شد. این نشان می‌دهد تیم‌های ایرانی اگر بخواهند در جام ملت‌ها به نتیجه برسند باید فکری اساسی به حال تیم عراق کنند. البته کاش این اتفاق زودتر می‌افتاد تا تیم قدرتمند و با انگیزه جوانان که سرشار از امید و آرزو بود، در این دوره از جام ملت‌های آسیا نتیجه می‌گرفت و ناکام به ایران بر نمی‌گشت. تیمی که می‌خواست به ایرانی‌ها عیدی بزرگی بدهد اما نتوانست تا باز هم عنوان «ناکام» همراه تیم جوانان ایران باشد.

## مرد همیشه تنها

هومن جعفری

روزنامه‌نگار

صمد مرفاوی همیشه چوب اسمش را می‌خورد. صمد یعنی بی‌نیاز و مرفاوی همیشه خودش را بی‌نیاز دانست از مشاوره گرفتن. همیشه تنها ماند و همیشه تنهایی جلو رفت و همیشه هم تنهایی شکست خورد. در حالی که پیروزی هزار پدر دارد، شکست بیتیم است و صمد همیشه موقع بردها هزاران شریک داشت و موقع باختن‌ها تنها ماند. انتخاب‌های سال‌های اخیر او، همیشه انتخاب‌های غلط بودند. چه می‌کرد؟ آدم دلالی و وصل شدن به شبکه‌های دلالی نبود. سالم بود. سالم ماند. سالم هست. ولی فوتبال ایران به آدم‌های سلامت کمکی نمی‌کند خاصه به تنهاترهای شان! صمد در نهایت در فوتبال ایران به موفقیتی نخواهد رسید، هر چند هم علمش را دارد و هم سلامت کاری‌اش مشخص است. فوتبال ایران فوتبال صمد‌ها نیست. فوتبال ایران فوتبال آدم‌های دیگری است که شلوغ کاری کنند و زد و بند را بلد باشند و سفره را پهن کنند و همه را بنشانند سر سفره و قیمت بالا ببرند و بحث‌های دیگری که شب‌عید جایش نیست. صمد سفره‌گستر نیست. نتیجه اینکه همیشه انتخاب‌های بد سر راهش قرار می‌گیرد. چقدر حیف... او لیاقت فرصت‌های بهتر را دارد.



## کار در رده پایه مربی جوان می‌خواهد نه پیشکسوت

امیررضا همایون

خبرنگار

مثل همیشه بود؛ بدون کوچکترین تغییری. بدون برنامه، بدون پلن و بدون هدف و در نهایت باز هم ناکامی. این سناریو نانوخته تیم‌های پایه فوتبال ایران است. سناریویی که این بار برای تیم جوانان تکرار شد.

تیم فوتبال جوانان ایران سال گذشته در شرایطی که بسیاری از تیم‌های تحت نظر فدراسیون فوتبال مربی نداشتند، با انتخاب بموقع سرمربی به سراغ برگزاری اردو رفت و بدون حاشیه کار خودش را با صمد مرفاوی سرمربی اسبق آبی‌های پایتخت برای حضور در جام ملت‌های زیر ۲۰ سال آسیا آغاز کرد. شرایط اردوی فوتبال‌بست‌های جوان و همچنین نفراتی که مرفاوی در تیمش داشت، این امیدواری را بین هواداران به وجود آورده بود که این تیم می‌تواند طلسم عدم حضور جوانان ایران برای صعود به جام جهانی را بشکند و به مسابقات اندونزی که خرداد ماه سال آینده برگزار می‌شود، صعود کند. این تیم هم اما به سرنوشت دیگر تیم‌های پایه از جمله تیم امید که نزدیک به چهار دهه در حسرت صعود به المپیک است، دچار شد و با شکست مقابل عراق جواز صعود به مهمترین تورنمنت فوتبال جوانان جهان را پیدا نکرد.

ناکامی تیم جوانان از دو جنبه قابل بررسی است. اول اینکه چرا وقتی باشگاه‌های لیگ برتری ما بجز چند تیم آن هم به شکل حداقلی به فوتبال پایه توجه نمی‌کنند، باید انتظار صعود این تیم به جام جهانی جوانان یا انتظار پیروزی مقابل عراق یا ژاپن را داشته باشیم؟ تیم‌هایی که برنامه اصولی و مدون برای تیم‌های پایه خود دارد و که در سال برای فوتبال پایه هزینه می‌کنند.

اصلاً همان بهتر که ما به جام جهانی نرفتم زیرا اگر این تیم به جام جهانی صعود می‌کرد، مسئولان فوتبال آن را به حساب غیرت بچه‌ها می‌گذاشتند و همین نگاه نیم بند به تیم‌های پایه را نیز دریغ می‌کردند. چرا که تیمی که با غیرت جهانی می‌شود، دیگر نیاز به تدارکات ندارد! چرا باید به جام جهانی برویم، زمانی که لیگ درست و حسابی در رده جوانان نداریم؟ پس همان بهتر که مقابل عراق شکست خوردیم و به اندونزی نرسیدیم.

ای کاش مسئولان ورزش و متولیان فوتبال یاد بگیرند کار در رده‌های پایه در همه رشته‌ها مربی جوان می‌خواهد که اختلاف سنی‌اش با ورزشکار اندک باشد تا بتواند ارتباط نزدیک با بازیکنش برقرار کرده و او را درک کند. اتفاقی که در ورزش ایران رخ نمی‌دهد و رؤسای فدراسیون‌ها برای انتخاب سرمربیان رده پایه به سراغ پیشکسوت‌های آن رشته می‌روند که حکم پدر بازیکنان را دارد. آقایان، لطفاً یک بار هم که شده از مربیان تحصیلکرده جوان در رده پایه استفاده کنید.

